



۱. در بیت زیر کدام صنعت بدیعی به کار رفته است؟

"بر من نهاد روی و فرو برد سربسر نیرنگ و سحرخاطر و طبعم چو ازدها"

الف. ارسال مثل ب. مبالغه ج. تلمیح د. تقسیم

۲. معنی بیت "با روزگار قمر همی بازم ای شگفت نایدش شرم هیچ که چندین کند دغا؟" در کدام گزینه آمده است؟

الف. روزگار با قماربازان بی شرم قمار می کند و هیچ شرمی از این بازی خود نمی کند.

ب. روزگار قماربازان را دوست دارد و آنها را می فریبد.

ج. با روزگار قمار می کنم، شگفت که روزگار این همه مرا می فریبد و شرم نمی کند.

د. در زندگی ام به روزگار باختم و هیچ شرمی از این باخت ندارم.

۳. در بیت "راست پروین چو هفت قطره شیر برچکیده به جامه خضرا"، "جامه خضرا" کنایه از چیست؟

الف. ابر ب. زمین ج. آسمان د. دریا

۴. کدام کلمه با کلمات دیگر سنخیت ندارد؟

الف. جوزا ب. فرقدان ج. افسر د. اکلیل

۵. معنی بیت "نیست کس را گنه، چو بخت مرا طالعی آفریده حرمانی است" در کدام گزینه آمده است؟

الف. هیچ کس گناهی ندارد زیرا که من بدبخت آفریده شده ام.

ب. بخت بامن یار نیست و من مثل گناهکارانم.

ج. نوامیدی من از بختم بخاطر تقدیر و سرنوشتم است.

د. گناه من بخاطر طالعی است که در افلاک رقم زده شده است.

۶. معنی مصرع "دلم به تیر عنا مُستة عقاب کنند" در کدام گزینه آمده است؟

الف. دلم را به تیر اندوه خسته پیش عقابی می نهند.

ب. تنم را با تیر وحشت قطعه قطعه کرده، پیش عقابی می نهند.

ج. دلم را با تیغ خشم ریز ریز می کنند و به شکارچیان می دهند.

د. دلم را به تیر شکنجه به عقاب می دهند.

۷. معنی مصرع دوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

"اگر به دست خسانم، چه شد نه شیران را پس از گرفتن، همخانه باکلاب کنند؟"

الف. وقتی شیر را شکار کنند با سگان هم خانه اش می کنند.

ب. انسانهای فرومایه از شیران درنده می ترسند.

ج. در شکار شیر از سگان شکاری استفاده می کنند.

د. سگان شکاری از شیران هراسانند.



۸. معنی بیت " هر زمانی چو ریگ تشنه ترم گرچه برمن چو ابرغم بارد" در کدام گزینه آمده است؟

الف. هر لحظه منتظر نزول بلاهای زیادی از آسمان هستم که بر سرم ببارد.

ب. گرفتاری‌های روزگار بر سر من چون ریگ بیابان می‌بارد.

ج. چون ریگ تشنه بیابان در انتظار بارش باران هستم.

د. گرچه باران غم بر سر من می‌بارد، اما من چون ریگ تشنه باز در انتظار بارش آنم.

۹. در بیت "از فلک تنگدل مشوم مسعود گر فراوان ترا بیازارد" چه صنعت بدیعی به کار رفته است؟

الف. حسن تعلیل ب. تجرید ج. براعت استهلال د. اغراق

۱۰. در بیت "شاخ خمیده چو کمان برکشید. سر ما از کنج کمین برگشاد"، "کمین برگشادن" به چه معنی آمده است؟

الف. آماده شدن برای تیراندازی ب. از کمینگاه خارج شدن

ج. کمان را به حرکت درآوردن د. زه کمان را گشودن

۱۱. در بیت "سپهبدان بر آشفته لشکری گشتند چنانکه خواهند از هر رهی همی رانند"، "رانند" به چه معنی آمده است؟

الف. دور کردن ب. رفتن ج. حمله کردن د. ساکن بودن

۱۲. در بیت زیر چه صنعت بدیعی به کار رفته است؟

"از گنبد دوار همی خیره بماندم بس کس که چنین خیره شد از گنبد دوار"

الف. مبالغه ب. رد الصدراالی العجز ج. جناس د. رد العجز الی الصدر

۱۳. در مصرع دوم بیت زیر کدام آرایه ادبی مشهود است؟

"ابریم که باشیم همیشه به تک و پوی وز بحر برآریم همی لؤلؤی شهوار"

الف. کنایه ب. مجاز ج. تشبیه د. استعاره

۱۴. کدام گزینه، درست معنی شده است؟

الف. فرخج: زشت ب. قلیتبان: مرد پُرکار ج. زنار: گردنبند یهودیان د. گرزن: غمگین

۱۵. در بیت "گاه تنها ز خود شوم طیره گویی اندر میان انجمنم"، معنی واژه "طیره" در کدام گزینه آمده است؟

الف. سبکبار ب. خوار شدن ج. غضبناک د. سبکبال

۱۶. معنی مصرع دوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

"گرفتم انس به غمها و اندهان گرچند منازعان چو دل و زندگانی وجانند"

الف. با منازعان زندگی‌ام، انس و الفتی یافته‌ام.

ب. غم و اندوه همدم روحم شده‌اند.

ج. با نزاع کنندگان حیاتم همچون غم و اندوه مبارزه می‌کنم.

د. غم و اندوه به نزاع من برخاسته و برایم چون دل و جان و زندگی شده‌اند.



۱۷. در بیت زیر کلمه «اضطراب» به چه معنی آمده است

"من آن غریبم و بی کس که تا به روز سپید ستارگان ز برای من اضطراب کنند"

الف. خاموش شدن ب. چشمک زدن ج. تشویش کردن د. شادمان گشتن

۱۸. معنی بیت "فغان کنم من ازین همّتی که هر ساعت ز قدر و رتبت سر بر ستارگان سایید" چیست؟

الف. از این بزرگ منشی که هر لحظه از قدر و مقام سر فخر بر ستارگان می ساید، به فریاد آمده ام.

ب. به واسطه بلند همّتی مثل ستارگان به مقام بلند رسیده ام.

ج. بزرگ منشی و رتبت من به واسطه همّت بلند من در سرودن اشعارم است.

د. جایگاه و رتبه من در علم و دانش سبب فغان ستارگان شده است.

۱۹. در بیت "غمین نباشم از ایرا خدای عزّوجلّ دری نبندد تا دیگری بنگشاید" چه آرایه ادبی دیده می شود؟

الف. تشبیه ب. تمثیل ج. حسن تعلیل د. تلمیح

۲۰. منظور شاعر در بیت "کز هر نظری طویله لؤلؤ بر چهره زرد پرنیان بندم" چیست؟

الف. دیوان اشعارم در نظر دیگران چون پرنیان زردی است.

ب. حاسدان شعر مرا که چون مروارید درخشان است به دیده تحقیر می نگرند.

ج. در هر نگاهی اشکهای مرواریدگون بر چهره زرد خود می ریزم.

د. اشعار من چون مرواریدی بر صفحه روزگار نقش خواهد بست.

۲۱. در بیت "خونی که ز سرخ لاله بگشایم اندر تن زار ناتوان بندم" منظور از "سرخ لاله" چیست؟

الف. گونه سرخ ب. لاله ج. چشم د. اشک خونین

۲۲. منظور شاعر در بیت "زین پس کمری اگر به چنگ آرم چون کلک کمر براستخوان بندم" چیست؟

الف. کمر بندی از نی برای خود فراهم کرده ام.

ب. تنام مانند نی باریک است و کمر بندی نمی توان بر آن بست.

ج. تنام مثل نی باریک شده است باید کمر بندی چون نی به دست آورم.

د. چون نی که باریک است تنام مثل نی و استخوان شده است.

۲۳. معنی بیت "کار از سخنست ناروا تا کی دل در سخنان ناروا بندم" در کدام گزینه آمده است؟

الف. در شعر من سخنان ناروا وجود ندارد.

ب. شعر من کار حاسدان را تباه کرده است.

ج. شعر، کار مرا تباه کرده است تا کی باید دلبسته سخنان ناروا باشم؟

د. حاسدان شعر مرا بی محتوا و ناروا جلوه می دهند.



۲۴. در بیت "در خور بودم اگر دهان بندی مانند قراچه در دهان بدم" منظور شاعر چیست؟

الف. شایسته است مثل صراحی که در فصل تابستان دهانش را می‌بندند من نیز در زندان دهانم را ببندم.

ب. شایسته است که مانند صراحی دهان بندی به دهان خود بسته و سکوت کنم.

ج. شایسته است که مانند صراحی دهان بدم را باز کنند.

د. شایسته است که مانند صراحی که دهانش را می‌بندند دفتر شعرم را ببندم.

۲۵. مفهوم بیت: "بودم آهن کنون از آن زنگم بودم آتش کنون از آن شررم" در کدام گزینه آمده است؟

الف. مردی سرسخت و خشن بودم.

ج. آتشی بودم که جز شراری از آن برجای نیست.

د. جسمم خیلی ضعیف و ناتوان شده است.

۲۶. در بیت "بستد از من سپهر هر چه بداد نیک شد با زمانه سربسرم"، "سربسربودن" به چه معنی آمده است؟

الف. رویارو شدن

ب. فریفته شدن

ج. حسابی نداشتن

د. از در صلح درآمدن

۲۷. از نظر مسعود سعد وجه تمایز ستاره برجیس و کیوان در چیست؟

الف. روشنائی

ب. کم نور بودن

ج. نحس بودن

د. فضل و دانش

۲۸. در بیت زیر میان کلمه «مرگ و مگر» چه جناسی به کار رفته است؟

"تا زاده‌ام ای شکفت محبوسم تا مرگ مگر که وقف زندانم؟"

الف. قلب

ب. اشتقاق

ج. شبه اشتقاق

د. کلمات هم‌خانواده

۲۹. معنی مصرع اول بیت "چون پیرهن عمل بپوشیدم بگرفت قضای بد گریبانم" در کدام گزینه آمده است؟

الف. کار دیوانی به عهده گرفتم.

ج. اعمالم را مورد سنجش قرار دادند.

ب. اعمالم سرنوشت شوم برایم رقم زد.

د. تقدیر شوم تمام اعمال گذشته‌ام را نابود کرد.

۳۰. مفهوم بیت "از کوزه این و آن بود آیم در سفره این و آن بود نانم" در کدام گزینه آمده است؟

الف. مرد سفر هستم و سفره و کوزه‌ام خالی از نان و آب است.

ب. مرد سفر هستم و از سفره دیگران رزق می‌خورم.

ج. خود چیزی ندارم و مرد تهیدستی هستم.

د. آب و نانم از کوزه و سفره دیگران است.

۳۱. در بیت "در سینه کشیده عقل گفتارم بر دیده نهاده فضل دیوانم"، کلمه "در سینه کشیدن" به چه معنی آمده است؟

الف. حفظ کردن

ب. شعر گفتن

ج. یادداشت کردن

د. گرو گرفتن

۳۲. در بیت "در ظلمت عزل روشن اطرافم در زحمت شغل ثابت ارکانم" چه آرایه‌ای مشهود است؟

الف. جناس

ب. موازنه

ج. تضمین المزدوج

د. ترصیع



۳۳. در بیت "آنکه بکشم همه دغای او
الف. ماهر ب. ساده لوح ج. مکار د. قمارباز
بنگر چه حریف آبدندانم" کلمه "آبدندان" به چه معنی آمده است؟
۳۴. در بیت زیر چه نوع تشبیهی به کار رفته است؟
"گوری است سیاه رنگ دهلیزم
الف. محذوف الادات ب. مضمّر ج. جمع د. مؤکد
خوکی است کریه روی دزبانم"
۳۵. در بیت زیر کلمه «ندارندم استوار» به چه معنی آمده است؟
"در حبس و بند نیز ندارندم استوار
الف. مرا محکم نمی بندند. ج. در زندانم را محکم بسته اند.
تا گرد من نگردد ده تن نگاهبان
ب. به من اعتماد نمی کنند. د. آزادم نمی کنند.
۳۶. در بیت "گر نه دود سیاه بود چرا
الف. سجع ب. تشبیه ج. استعاره د. حسن تعلیل
زو روان گشت آب دیده من؟" چه آرایه ادبی به کار رفته است؟
۳۷. مفهوم بیت "از دلم ترجمان شده کلکی
الف. قلم توانایی بیان دردم را ندارد. ج. حتی قلم نیز توانایی ترجمه دردم را ندارد.
چون زبانم همی گشاده سخن" در کدام گزینه آمده است؟
۳۸. معنی مصرع دوم بیت "اندر هزار بادیه گشته
الف. حوادث روزگار ترا با تجربه کرده است. ج. تو با هزار حادثه روبرو شده ای.
بر تو هزار باد وزیده" در کدام گزینه آمده است؟
۳۹. در بیت زیر «دمگه گلخن» به چه معنی آمده است؟
"در باغ نوشکفته نرفتی همی به گرد
الف. قلعه ب. آتشیخانه ج. مرغزار د. زندان
در نیم رفته دمگه گلخن چگونه ای؟"
۴۰. در بیت زیر کلمه «زندباف» به چه معنی آمده است؟
"زهی زندباف آفرین باد بر تو
الف. نوازنده ب. بی صدا ج. خواننده د. سرودگوی
که بس طرفه مرغی و بس خوشنوايي»